

## تحلیل ضمانت اجرا های کیفری جرائم علیه خانواده در حقوق ایران

علی یوسف زاده<sup>۱</sup>، معصومه صالحی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

نام نویسنده مسئول:

معصومه صالحی

### چکیده

این مقاله در صدد است بر اساس قوانین جزایی ایران به بررسی و تحلیل ضمانت اجراها در جرائم خانواده بپردازد. خانواده دستاویز پاره‌ای افکار افراطی و سوء برداشت های شخصی شده تا با وجود نقش پایه‌ای، مهم و حساس زن در خانواده و اجتماع، محدودیتهای ناروایی بر او تحمیل شود و جای بسی تأسف دارد که اینگونه جریانها در مکتب عدالت آفرین اسلام رونق یافته است. جرائم علیه خانواده در مقایسه با سایر حوزه‌ها، مشمول مداخله حقوق کیفری اندک و در مقابل قواعد مدنی آن بسیار گسترده تر است، اما باز هم قانونگذاران به جرم انگاری برخی رفتارها که کیان و بقای خانواده یا قداست و حیثیت و شوون خانوادگی یا افراد خانواده را تهدید یا استواری روابط خانوادگی را متزلزل می کند یا در نسب و توالد و تناسل آنها تأثیر منفی می گذارند اقدام کرده‌اند، که در این زمینه می‌توان به جرائم موضوع ماده ۶۴۲ الی ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تحت عنوان جرائم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی اشاره کرد. از این رو می توان گفت که مداخله در محدوده حقوق و آزادی های فردی به منظور تضمین حمایت از نهاد خانواده و در نتیجه تأمین رفاه و آسایش عمومی یکی از دلایل موجه محکمی است که ضمانت اجراهای کیفری را ضروری ساخته است. از آنجا که این جرائم و ضمانت اجرای آنها چندان مورد بحث و مناقشه قرار نگرفته است، لذا کاستی ها و نواقص آن پنهان بوده و در برخی موارد اعمال آن را با مشکل مواجه می سازد. نگارنده در این مقاله ضمن نقد و بررسی جرائم مذکور، به این نتیجه می رسد که در قوانین مذکور خلاء و ایراداتی وجود دارد و مداخله ضمانت های اجرایی کیفری در حقوق خانواده، خود تهدیدی بیشتر بر بقا و تحکیم بنیان خانواده است، بنابراین شایسته است قانونگذار در حوزه ی خانواده تا حد امکان به دخالت حداقلی ضمانت اجرای کیفری و بر مبنای ضرورت بسنده کند. پیشنهاداتی نیز در جهت اصلاح و کارآمدتر شدن این قوانین مطرح گردیده.

**واژگان کلیدی:** آزادی های فردی، جرائم علیه خانواده، قانون مجازات، ضمانت اجرا.

**مقدمه**

تجارب بشر نشان داده است که ضمانت اجرای کیفری، به این دلیل که ماهیتا حقوق بنیادین بشر را آماج قرار داده و ناقض آنان محسوب می‌گردد، همواره نیاز به توجیه داشته است.

مهمترین مقرراتی که از تعرض و آسیب به جامعه حمایت می‌کند مقررات کیفری هستند، اما در مورد کیان خانواده اگرچه در مقایسه با جامعه به راحتی نمی‌توان به قوانین کیفری متمسک شد اما در پاره‌ای از موارد، تمسک به ضمانت اجرای کیفری به عنوان آخرین راه حل مفید فایده به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که امروزه مقررات کیفری حاکم بر کیان خانواده در مقایسه با مقررات غیر کیفری حاکم بر خانواده بسیار ناچیز بوده و به طوری که نمود خارجی این مطلب را حتی در کتابهای حقوقی نگارش یافته نیز به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. (رهامی، ۱۳۹۳، ۱۲۱)

پیشینه‌ی قانون گذاری در زمینه‌ی حقوق خانواده در ایران به سال ۱۳۱۰ باز می‌گردد که در آن سال قانون راجع به ازدواج در تاریخ ۱۳۱۰/۵/۲۳ به تصویب رسید. البته پس از آن بارها و بارها قوانین مختلفی در حوزه‌ی خانواده به تصویب رسید و قوانین قبلی دستخوش تغییر و نسخ شد. (حاجی آبادی، ۱۳۸۹، ۸)

اما این که سیاست کیفری اتخاذ شده در این گونه جرائم تا چه اندازه در راستای حمایت کیفری از خانواده موثر واقع شده و جنبه‌ی بازدارندگی از جرم داشته است؟ و چه راه حلی برای کارآمدتر کردن این قوانین در حوزه‌ی حقوق خانواده وجود دارد مطالبی است که در تحقیقات موجود، توجه کم تری به آن مبذول شده است خانواده به عنوان نهادی بنیادی همیشه مورد توجه قانونگذاران بوده، به طوری که مطابق قانون اساسی و قوانین عادی به این نهاد بسیار ارج گذاشته شده است. مهمترین قانونی که در مورد این نهاد وجود داشت، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (۱۳۵۳) بود که به دلیل برخی کاستی‌ها مورد بازنگری قرار گرفت و قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تصویب و اجرایی شده است. هدف این تحقیق بررسی قوانین جزایی و ضمانت اجرای آن و زمینه سازی ایجاد نظام عادلانه و جامع کیفری در جرائم خانواده است و پرسش‌هایی که این تحقیق عهده دار یافتن پاسخ به آن‌ها گردیده است این است که نظام قانونی ایران چه نگرشی به جرائم خانواده را برگزیده است؟

لذا در این پژوهش ضمانت اجرای کیفری در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله در وهله اول به بررسی ضمانت اجرای کیفری در جرائم علیه خانواده می‌پردازد و آیا این ضمانت اجراها می‌تواند از جرائم علیه خانواده بکاهد؟ در این مقاله با محور قرار دادن این نکته که حقوق خانواده مربوط به روابط درون خانواده است و باید بر خلاف سایر جرائم، کمتر یا به ندرت ضمانت اجرای کیفری را در آن بکار برد، با نگاهی مختصر و گذرا به وضعیت ضمانت اجرای کیفری حقوق جزای ایران و فقه اسلامی در جرائم خانواده پرداخته شده است و سرانجام بر اساس نتایج حاصله، در حد امکان برای رفع آن‌ها پیشنهادات لازم ارائه می‌گردد.

**۱- مفهوم شناسی مصطلحات****۱-۱- مفهوم خانواده**

با توجه به تعریف نکاح، می‌توان گفت خانواده نهاد ناشی از نکاح است که در تداوم همدلی زوجین و اهداف آنان حین نکاح تداوم می‌یابد. ازدواج توافق همدلانه، ارادی و منطبق با قانون و شرع میان زن و مرد است که بر شروع زندگی مشترک، تداوم آن بر اساس عشق، اخلاق و قانون، و تلاش در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی یکدیگر در طول زندگی مشترک صورت می‌گیرد. این تعریف که کمتر به بُعد حقوقی نکاح در خانواده توجه دارد؛ ضمن جدا نمودن نکاح از معامله و ردّ معاوضی بودن آن، به تعهد اخلاقی زوجین و خاصیت طبیعی محبت میان آنان که با هیچ قراردادی قابل ایجاد نیست، تاکید می‌کند.

خانواده را خاندان، دودمان و تبار نیز معنی کرده اند. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۰۷۸) و از آن تعاریف متعددی صورت گرفته است که دارای عناصر مشترکند. از جمله گفته شده است که یک واحد حقوقی است که لاقلاً از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده، ناشی می‌شود. وجود زن و مرد در ابتدا شرط حدوث خانواده است، اما شرط بقای آن نیست.

همچنین پیشنهادی که در تعریف در مورد حدود و ثغور خانواده شده است، مبنی بر این که باید با ملاحظه‌ی حقوق و تکالیفی که قوانین برای اعضای خانواده در برابر هم مقرر داشته است، حدود و قرباتی را که سبب ایجاد رابطه‌ی خانوادگی است، مشخص نمود نیز نمی‌تواند به تنهایی کارساز باشد؛ زیرا «انفاق» از تکالیفی است که برخی آن را «عنصر» خانواده دانسته اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۵، ۲۵۷) به نظر می‌رسد بهتر آن است که تعریف خانواده را به عرف واکذاریم و بیشتر به حمایت از خانواده بپردازیم؛ زیرا خانواده مفهومی متحول در طول زمان است.

**۲-۱- تعریف جرائم علیه خانواده**

فصل نوزدهم قانون تعزیرات اسلامی با عنوان «جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی» است. این جرائم مشتمل بر ترک انفاق، عدم ثبت نکاح، ازدواج با زن شوهردار، ازدواج با زن صاحب عده، ازدواج قبل از بلوغ و فریب در نکاح می باشد. جرائم مذکور، مفهوم اخص جرائم علیه مصالح خانواده می باشد. یعنی جرائمی که به روابط داخلی اعضای خانواده آسیب رسانده یا آن را مورد تهدید قرار داده یا استحکام خانواده از این رهگذر متزلزل می شود. به عنوان نمونه عدم ثبت نکاح یا ترک انفاق توسط زوج، رابطه بین زن و شوهر را دچار مخاطره می سازد، همچنین فریب در نکاح یا ازدواج زن شوهردار، استمرار خانواده را با مشکل مواجه می نماید.

قانونگذار در برخی مواد قانون مدنی از جمله در ماده ۱۱۲۹ اجرای این قاعده را در حقوق کنونی حاکم بر کشور، به رسمیت شناخته است. به موجب این قاعده چنانکه شخصی از ادای حقوق دیگران خودداری نماید حاکم جامعه اسلامی می تواند از ناحیه وی، آنچه را که وظیفه اوست از باب ولایت انجام دهد.

برخی جرائم این حوزه را بر حسب ماهیت جرائم به چهار دسته جرائم علیه قداست خانواده، جرائم علیه تحکیم خانواده، جرائم علیه اعضای خانواده و سایر جرائم، تقسیم کرده اند. (اسدی، ۱۳۹۲، ۱۳)

بر اساس این تقسیم بندی، می توان تحلیل زیر را در مورد نوع مجازات های جرائم خانوادگی ارائه داد: در جرائم علیه قداست خانواده، نوع مجازات هایی که قانون گذار تعیین می کند، متفاوت است برای عدم ثبت نکاح و طلاق، مجازات جزای نقدی و حبس تعزیری درجه هفت، ازدواج با زن شوهردار یا زن در عده، حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی، فریب در ازدواج، حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و در زنا با محارم، مجازات اعدام پیش بینی شده است.

**۳-۱- ضمانت اجرای کیفری در جرائم خانواده**

از جمله ضمانت های اجرایی کیفری در راستای حمایت از خانواده، سیاست کیفری اتخاذ شده در مواد (۸۶۸ تا ۸۷۳) است که شامل ترک انفاق، ازدواج با زن شوهردار و معتده، به عقد درآوردن زن شوهردار و معتده، عدم ثبت ازدواج، طلاق، رجوع، ازدواج قبل از بلوغ و تدلیس در نکاح است. (روح الامینی، ۱۳۹۳، ۹۴)

در مورد جرائم علیه تحکیم خانواده، در خصوص جرم خشونت خانگی، مجازات و نص قانونی خاصی وجود ندارد و تنها مصادیقی از خشونت تحت عناوین کلی برخی جرائم نظیر قتل و ضرب و جرح .... قرار می گیرند جرائم علیه اعضای خانواده نیز، جرم انگاری متنوع دارند. لذا برای جرم ترک انفاق، حبس تعزیری درجه شش، جرم ازدواج قبل از بلوغ، چنانچه ازدواج با دختر زیر سن نکاح منتهی به نقص عضو و مرض دایمی و فوت نگردد، حبس تعزیری درجه شش یعنی حبس از شش ماه تا دو سال و در صورت واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دایمی زوجه، حبس تعزیری درجه پنج یعنی حبس از دو تا پنج سال تعیین و در صورت واقعه منتهی به فوت زوجه حبس تعزیری درجه چهار یعنی حبس از ۲ تا ۱۴ سال و برای معاونین خاص این جرم یعنی ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه که در ارتکاب جرم تأثیر مستقیم داشته اند و همچنین برای عاقد، حبس تعزیری درجه شش یعنی حبس از شش ماه تا دو سال، جرم سقط جنین، بنابر شرایط مختلف حسب مورد قصاص و دیه و تعزیر مقرر شده است. با این بررسی اجمالی می توان دریافت که اغلب مجازات های حوزه جرائم خانوادگی در تعزیرات خلاصه شده اند. (کرامتی معز، ۱۳۹۴، ۷۶)

از آنجا که این جرائم چندان مورد بحث و مناقشه قرار نگرفته است، لذا کاستی ها و نواقص آن پنهان بوده و در برخی موارد اعمال آن را با مشکل مواجه می سازد.

**۲- بررسی ضمانت اجرای جرم ترک انفاق**

یکی از مهمترین جرائم که کیان خانواده را در معرض خطر فروپاشی قرار می دهد، ترک انفاق می باشد که برای آن در مقررات کیفری مجازات های با ضمانت اجرای مشخصی تعیین شده است.

**۲-۱- جرم ترک نفقه در حقوق ایران**

در قوانین و مقررات کشورمان برخی از حقوق وجود دارد که در روابط زن و شوهر اختصاص به زن دارد و تکلیف شوهر محسوب می شود. یکی از این حقوق، حق نفقه است. نفقه، حق زن و تکلیف شوهر است و اگر زوج از این تکلیف خود سرباز زند باید در انتظار ضمانت اجرای مدنی و کیفری باشد. بنابراین حق نفقه دارای ضمانت اجرای کیفری است و اگر مرد این تکلیف خود را نادیده بگیرد، مجازات می شود.

تا قبل از تصویب قانون جزای عمومی در سال ۱۳۱۳، به علت عدم وجود ماده قانونی در زمینه ترک نفقه، چنین جرمی موضوعیت نداشت و پس از تصویب این قانون، ماده ۱۴ و بعد از آن ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، اصل قانونی بودن این جرم را تأمین کرد. (محمدی، ۱۳۹۳، ۲۱۶)

بعد از انقلاب اسلامی نیز ابتدا ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و به دنبال آن در حال حاضر ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، اصل قانونی بودن جرم ترک نفقه و مجازات آن را مورد توجه قرار داده است. با توجه به نتایج حاصله از اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها (تفسیر مضیق قوانین جزایی و عطف به ماسبق نشدن این قوانین)، در هنگام انتساب چنین جرمی به متهم و بررسی شرایط آن باید به تفسیر مضیق جزایی توسل جست. یعنی «مسئولیت کیفری در محدوده تفسیر مضیق محتاج به دلایل کافی است و در رسیدگی به هر کیفری، قاضی قانونا مکلف به تفهیم اتهام و دلایل آن به متهم است. (سلمان پور، ۱۳۹۳، ۱، ۱۴۱)

قانونگذار به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: "هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، دادگاه او را از سه ماه یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند". در این خصوص چند نکته قابل ذکر است: اولاً این جرم در خصوص نفقه آینده مصداق دارد. ثانیاً در صورتی عدم پرداخت نفقه جرم است که مرد علی‌رغم توان مالی از پرداخت نفقه امتناع ورزد. ثالثاً زن باید از شوهر تمکین کند. به موجب رای وحدت رویه ۳۳۳ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۴ تا زمانی که زن از شوهر تمکین نکند، جرم ترک نفقه نمی‌افتد. بنابراین حتی اگر زن با استفاده از حق حبس مقرر در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی از تمکین امتناع کند، جرم ترک نفقه اتفاق نخواهد افتاد. در این صورت زن می‌تواند از طریق حقوقی جهت مطالبه نفقه اقدام دعا کند. (خلیلی، ۱۳۹۵، ش ۴۹، ۱۵۴)

این جرم مانند سایر جرائم دارای سه عنصر می‌باشد:

عنصر مادی عبارت است از عمل مجرم که در خارج واقع می‌شود. در بیشتر موارد، عنصر مادی جرم به صورت عمل یا فعل مثبت بروز می‌کند، اما گاهی اوقات ترک فعل نیز می‌تواند به عنوان عنصر مادی برخی جرائم در نظر گرفته شود. به همین جهت نیز ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم دانسته است. با توجه به ترک فعل باید گفت گاهی قانونگذار از جهت حفظ نظم عمومی تکلیفی برای افراد مقرر کرده است و در صورتی که اشخاص از انجام آن تکالیف خودداری کنند برای آن‌ها مجازات تعیین کرده است. در مورد جرم ترک نفقه نیز همچنان که از عنوان آن مشخص است، عنصر مادی آن، ترک فعل است. (زراعت، ۱۳۹۴، ۶۹۲)

جرم ترک انفاق در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، نفقه زن را در عقد دائم بر عهده شوهر دانسته و در مورد نفقه اقارب نیز، اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی را ملزم به نفقه به یکدیگر کرده است. با تصویب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی نیز عدم انجام این وظیفه قانونی، جرم شناخته شده و به صراحت، امتناع منفق را از پرداخت نفقه جرم دانسته است. بنابراین عنصر مادی جرم ترک نفقه عبارت است از: «امتناع» و «استنکاف» از پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه در صورت توان مالی فرد بر پرداخت نفقه. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۲، ۷۱۵)

برای تحقق عنصر روانی، وجود دو عامل اراده ارتکاب و قصد مجرمانه ضروری است. در خصوص عنصر روانی ترک نفقه، از آن جا که عنصر مادی آن، ترک فعل است باید این ترک فعل به صورت ارادی ارتکاب یافته باشد. همچنان که اساتید بزرگ حقوق نظر داده‌اند، جرم ترک نفقه، جرمی مستمر است. (بیاتی، ۱۳۹۶، ۶۷)

گروهی عقیده دارند: آنچه در ترک انفاق در مورد ازدواج دائم وجود دارد در خصوص ازدواج موقت که در آن شرط نفقه شده هم وجود دارد، لذا با پذیرش التزام به شرط ضمن عقد، فرقی بین میزان لزوم انفاق در نکاح دائم با لزوم شرط در نکاح موقت وجود ندارد و نسبت به هر دو مورد بر حسب اقتضائات و نظم عمومی کشور، می‌توان مقرراتی وضع نمود. (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۸)

این گروه برای نظر خود از دو دلیل استفاده کرده‌اند: اول «اصالة الاباحه»، با توجه به این اصل هیچ منعی از بیان شرط خاص که دلیلی بر بطلان آن نباشد، وجود ندارد. دوم با استناد به قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، عمل به شرط توسط مشروط علیه لازم است.

## ۲-۲- ضمانت اجرای ترک نفقه زوجه در صورت استطاعت مالی زوج

این ضمانت اجرا عبارت است از الزام به انفاق و طلاق در صورت عدم امکان الزام، قانونگذار قانون مدنی در ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». پیش بینی صدور حکم به پرداختن نفقه برای حفظ حق زوجه، در حقیقت ضمانت اجرای مدنی این حق است.

قانونگذار ایرانی علاوه بر ضمانت اجرایی مدنی از ضمانت اجرایی کیفری نیز برای ممتنع از پرداخت نفقه بهره جسته است. قانونگذار ایرانی برای نخستین بار در ماده ۲۱۴ قانون جزای عمومی ایران به ترک انفاق زوجه وصف جزایی داده است و برای مرتکب، حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال پیش بینی کرده است. (اسدی، ۱۳۹۲، ۲۰)

بعد از آن در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مجازات حبس جنه‌ای از سه سال تا یک سال را برای مرتکب جرم ترک انفاق زوجه و دیگر اشخاص واجب‌النفقه مقرر داشته است. و در نهایت در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ مجازات تارک انفاق سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس را مقرر داشته است، ضمانت اجرای کیفری مطابق ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات اسلامی هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد دادگاه او را سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید یعنی حبس تعزیری درجه شش، تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت ولی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. (دیانی، ۱۳۹۴، ۷۳)

بعلاوه قانونگذار در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده بیان کرده است: هرکس با داشتن استطاعت مالی، از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه خود امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. این در حالی است که مطابق تبصره ماده موصوف، امتناع از پرداخت نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی نیز مشمول مقررات ماده موصوف هستند. (کرامتی معز، ۱۳۹۶، ۳۳)

بنابراین قانونگذار در راستای حمایت خود از پدیده تلقیح مصنوعی که از ابداعات نوین علم پزشکی و قدمی در راستای حفظ کانون خانواده است، خودداری از پرداخت نفقه فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی یا تحت سرپرستی را جرم و قابل مجازات دانسته است. پیش بینی مجازات مذکور بر این مبنای فقهی استوار است که ترک انفاق از گناهان و معاصی است. حاکم می‌تواند مرتکب ترک انفاق را به جهت ارتکاب معصیت، تعزیر نماید چون قاعده «لکل اثم حد او تعزیر» بیان می‌دارد اگر برای معصیتی حدی مقرر نشده باشد مرتکب آن معصیت، مستوجب تعزیر است برخی فقیهان (شیخ یوسف بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۵۴۲) بر مجازات تعزیری ممتنع از انفاق در صورت تمکن و قدرت بر پرداخت اذعان نموده اند.

نفقه گذشته زن دارای ضمانت اجرای کیفری نیست و صرفاً دارای ضمانت اجرای مدنی است. اگر زن به سن بلوغ رسیده باشد اما رشد او احراز نشده باشد می‌تواند بدون موافقت ولی یا قیم، شوهر را به جرم ترک انفاق تحت تعقیب قرار دهد زیرا شکایت کیفری نیازمند احراز رشد نیست.

### ۳- جرم تعدد زوجات

عنصر مهم در هر یک از این تعاریف خانواده، تفاوت جنسیتی اولین اعضای خانواده است. این تعریف در تعیین حدود خانواده موفق نبوده است؛ زیرا قید «لااقل از یک زن و مرد» این ابهام را ایجاد می‌کند که آیا مردی که دارای چند زن است، صرفاً دارای یک خانواده است یا چند خانواده. ابهام دیگر اینکه آیا خانواده می‌تواند از یک زن و چند مرد تشکیل شود که در پاسخ باید گفت نه تنها در مقررات ایران چنین امری ممنوع است، بلکه در بسیاری از کشورها با ممنوعیت چند همسری، چنین خانواده‌های را غیر قانونی اعلام کرده‌اند.

### ۴- ضمانت اجرای جرم تعدد زوجات

تعدد زوجات به صورت مطلق جرم به شمار آمده و برای عدول از این محدوده ممنوعه، ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است. این مدل مداخله کیفری که غالباً متعلق به کشورهای غربی و غیرمسلمان می‌باشد، مبتنی بر اصول و مبانی می‌باشد که بر اساس آنها این کشورها در فرایند گزینش رفتارهای مشمول مداخله کیفری و سبک و سنگین کردن توجیهات راجع به جرم انگاری و عدم مداخله حقوق کیفری به این نتیجه رسیده اند که تعدد زوجات یعنی داشتن بیش از یک همسر دائمی در یک زمان واحد باید جرم تلقی شود. (Bailey, 2007, P19)

شرط اطمینان از برقراری عدالت بین همسر اول و زنان بعدی و تمکن مالی شوهر در اختیار زن بعدی تأکیدی که بر دشوار بودن برقراری عدالت در این زمینه شده است، نشان می‌دهد که شارع مقدس تا چه حد در جهت رعایت حقوق همسر اول و جلوگیری از ورود صدمه و ضرر و ایجاد تضییقات مختلف برای او اهمیت قائل شده است. (جهانی، ۱۳۹۲، ص ۵۹)

بی تردید اختیار همسر بعدی موجبات ورود آسیب و صدمه به زوجه و فرزندان خانواده را فراهم خواهد ساخت، از این رو اصل منع صدمه ایجاب می‌کند که برای جلوگیری از این آسیب و ناخوشایندی شدید برای زن و فرزندان (به ویژه فرزندان کودک) به ممنوعیت کیفری آن مبادرت گردد.

مصالح مربوط به پاسداری از قداست خانواده، استواری روابط خانوادگی و جلوگیری از نقض حقوق زن و کودکان خانواده نیز چنین ضرورتی را توجیه می نماید.

### ۵- جرم ازدواج زن شوهردار

ماده ۶۴۳ ق.ت.ا عبارت است از: «هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد، برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد کرد». همچنین در ماده ۶۴۴ ق.م.ا آمده: «کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند. ۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به مواقعه نگردد. ۲- هر کس که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به مواقعه نگردد». (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹، ۴۸، ۱۵)

ارتکاب این جرم ناشی از انحطاط اخلاقی جامعه است. برخی مردان هوسران که تربیت خانوادگی ندارند، دست به اغوای زنان شوهردار می زنند و به جهت رابطه نامشروع وعده ازدواج می دهند تا آنها را بفریبند، در اثر این امر، زنان با شوهران خود بدرفتاری پیش می گیرند که شاید طلاق گرفته و به ازدواج رفیق خود درآیند.

گاهی اوقات به دلیل عدم ثبت نکاح دائم یا وقوع نکاح منقطع، شبهاتی پیش می آید، که در اثر جهل یا شتابزدگی طرفین یا هر دو طرف، ازدواج بعدی نیز باطل می شود و اسباب ارتکاب معصیت و جرم فراهم می شود. (اصفهانی، ۱۴۱۶ ق.ج، ۱، ۱۵)

دیوانعالی کشور، در این مورد حکم به بطلان ازدواج دوم داده است.

### ۵-۱- مجرمین در ازدواج زن شوهردار

این جرم ممکن است دارای سه مجرم باشد: عاقد، زن شوهردار و مردی که می خواهد با این زن عقد نکاح ببندد. گاه عاقدی وجود ندارد و زن با مرد مورد نظر، رأساً مبادرت به انشای عقد می نمایند.

البته چون علم و آگاهی در این جرم نقش اساسی ایفا می کند، لذا گاهی از اوقات با توجه به عنصر روانی جرم، فقط ارتکاب جرم به زن، مرد یا به عاقد قابل انتساب باشد. مثلاً چنانکه مرد نداند که زن شوهردار بوده یا در عده می باشد یا عاقد از شوهردار بودن یا در عده بودن زن مطلع نباشد یا زن با تهدید یا تطمیع وادار به موافقت به عقد نکاح شود. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۲)

ماده ۶۴۳ ق.م.ا. ناظر بر وقتی است که عاقد مرتکب جرم، غیر از زن و مرد باشد. همچنین وکیل یکی از دو طرف یا ولی زن یا مرد نیز می تواند، مرتکب این جرم محسوب شوند. بند ۱، ماده ۶۴۴ ق.م.ا. مربوط به زنی است که شوهردار بوده یا در عده زوج سابق باشد و در این حال مبادرت به عقد نکاح نماید و بند ۲ همین ماده مربوط به مردی است که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است، برای خود تزویج کند. (شکری، ۱۳۹۱، ۶۷۶)

عنصر این جرم، فعل مادی و مثبت است که عبارت از: «عقد نمودن» زن شوهردار بدون اینکه مواقعه حاصل شود. زیرا در صورت مواقعه با حصول سایر شرایط، این فعل زنای محصنه یا غیر محصنه و فعل عاقد مطلع، به قوادی مشابَهت تام پیدا می کند. عنصر روانی جرم، علم و عمد است. منظور از علم چیست و آیا مجرم باید هم علم به موضوع (شوهردار بودن یا در عده بودن) و هم علم به حکم (حرمت نکاح) داشته باشد تا محکوم به مجازات شود یا خیر. (زرزاعت، ۱۳۹۳، ۶۹۳)

در پاسخ به این سؤال لازم است ابتدا نگاهی به جنبه های حقوقی نکاح با زن شوهردار یا زن در عده مرد دیگری داشته و سپس به جنبه کیفری موضوع پرداخته شود.

طبق مواد ۱۰۵۱ و ۱۰۵۰ ق.م. «عقد ازدواج با زن شوهردار یا زن معتده باطل است. خواه عالماً باشد یا از روی جهل و این نکاح موجب حرمت ابدی است. اما در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی حرمت ابدی حاصل نمی شود» به تصریح متن مواد فوق، منظور از علم، آگاهی به وجود علقه زوجیت (علم به موضوع) و حرمت نکاح (علم به حکم) می باشد. (رهبر، ۱۳۸۸، ۷۶)

مرحوم صاحب جواهر در این مورد می نویسد: «کسی که زنی را در زمان عده در صورت علم به حکم و موضوع و از روی عمد به عقد ازدواج درآورد به صرف وقوع عقد، حرمت ابدی حاصل می شود. اگر جهل به هر دو (حکم و موضوع) یا جهل به یکی از آن دو داشته باشد و دخول انجام شود، حرمت ابدی حاصل می شود و اگر دخول انجام نشود، عقد باطل است ولی حرمت ابدی بوجود نمی آید». (مومن سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۶، ۱۲۰)

در قانون مدنی نیز آمده است، در صورت علم (اعم از وقوع نزدیکی و عدم آن) عقد باطل و حرمت ابدی حاصل می‌شود و در صورت جهل اگر نزدیکی واقع شود، عقد باطل و حرمت ابدی بوجود می‌آید و اگر نزدیکی واقع نشود، عقد باطل است ولی حرمت ابدی ایجاد نمی‌گردد.

## ۵-۲- آثار کیفری جرم ازدواج زن شوهردار در قانون

از آنجا که برای تحقق این جرم در ماده ۶۴۴ ق.م.ا. دو شرط «علم» و «عدم مواقعه» ذکر شده است، پس تنها موردی که مشمول مجازات که در ماده ۶۴۶ ق.م.ا. به آن اشاره شده است، بند ب فروض فوق می‌باشد. همچنین با وقوع نزدیکی در صورت جهل طبق مواد ۶۶ و ۶۵ ق.م.ا. نمی‌توان این عمل را مشمول عنوان زنا یا تعزیرات مندرج در ماده ۶۴۴ ق.م.ا. دانست، زیرا شبهه حکمی و موضوعی رافع حد زنا و موجب برائت شخص می‌گردد. (تدبیری، ۱۳۹۲، ۷۶)

### ۱- جهل حکمی و موضوعی

در رابطه با ازدواج زن شوهردار حدیث مهمی وارد شده که چون در استنتاج حکم مؤثر می‌باشد ذکر می‌گردد:  
از امام صادق (ع) در مورد مردی که زنی را در زمان عده از روی جهالت به ازدواج خود درآورده بود سؤال شد، آیا این زن تا ابد بر این مرد حرام است؟ امام فرمود: خیر وقتی که از روی جهالت باشد، زن باید بعد از منقضی شدن عده با او ازدواج کند و گاهی مردم در حالت جهل معذورند به خاطر آنچه از آن مهم‌تر است. از امام (ع) سؤال شد: کدام یک از دو جهل شخص سبب برائت می‌گردد؟ جهالت به اینکه زن بر او حرام است (جهل به حکم) یا جهالت به اینکه زن در عده است (جهل به موضوع) امام فرمود: یکی از دو جهالت سبک‌تر از دیگری است. جهالت به اینکه آن را خدا بر او حرام کرده، مانع از این است که قادر بر احتیاط باشد پس گفتم او در جهالت دیگر معذور است؟ امام فرمود: بله وقتی عده او منقضی شد، می‌تواند با آن زن ازدواج نماید. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق، ۱۴، ۷۱۵)

لذا حکم بین مسلمانان واضح نیست و این برخلاف جهل به موضوع است، چون این نوع جهل غالباً بسیط است. وقتی شخص می‌داند که زن قبلاً ازدواج کرده و رعایت عده بین مسلمین رایج می‌باشد، طبیعی است که او در مورد عده زن شک کند و در جهل مرکب نباشد. لذا فرق بین جهل به حکم و جهل به موضوع به جهت غلبه خارجی‌ای است که نسبت به این دو وجود دارد. بنابراین حکم برائت نسبت به جهل موضوع و حکم به طور کلی قابل پذیرش نیست، اما می‌توان نسبت به موضوع خاص «ازدواج زن در زمان عده» برائت جاهل را استنتاج نمود. (مراغی، ۱۴۱۷ ق، ۸، ۲۸۵)

البته به دلیل عقلی که همان قاعده «قیح عقاب بلا بیان» است، می‌توان حکم به برائت نمود، تا در صورت جهل به حکم، عقابی بر شخص نباشد. همچنین هر وقت تکلیف شارع اعم از «تکلیف کلی» و «تکلیف فعلی خارجی» در مورد شبهه موضوعیه برای مکلف منجز نشد، مجازات و مؤاخذه، قبیح است زیرا قاعده «قیح عقاب بلا بیان» فقط مخصوص شبهات حکمی نیست. بلکه شامل شبهات موضوعیه نیز می‌شود. لذا می‌توان معذوریت در شبهات موضوعیه را اولی و سزاوارتر از حکمی دانست. مثلاً در حال حاضر جهل به قانون را نمی‌پذیرند ولی جهل به موضوع را می‌پذیرند. (منتظری، ۱۴۰۹ ق، ۱۲، ۳۱۷)

با توجه به نظر فقها و تدبر در مواد قانون مجازات اسلامی یکی از دو تفسیر ذیل منطقی است:

۱) نکاح زن شوهردار یا زنی که در عده دیگری است در صورت شبهه حکمی یا موضوعی یا هر دو موجب برائت است. (طباطبایی، ۱۴۰۹ ق، ۶، ۷۳۵)

در قانون مجازات اسلامی متأسفانه، اشتباه حکمی یا موضوعی در علل رافع مسئولیت کیفری درج نشده، لذا وضعیت مجرم در صورت داشتن شبهه مجمل است. اما در موارد متعددی از حدود مثل مواد ۶۵ و ۶۶ ق.م.ا. در حد زنا و تبصره ۱ ماده ۱۶۶ ق.م.ا. در شرب مسکر و بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۹۸ ق.م.ا. در سرقت موجب رفع مسئولیت کیفری است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ۳، ۱۰۲)

۲) نکاح زن شوهردار یا زنی که در عده دیگری است در صورت شبهه موضوعی، موجب برائت و در صورت شبهه حکمی، موجب برائت نیست. این تحلیل با قاعده حقوقی «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست»؛ موافقت داشته و اشتباه موضوعی تنها در جرائم عمدی مؤثر می‌باشد. (حلی، ۱۴۲۵ ق، ۱، ۷۵)

بنابراین با قیاس موضوع نکاح زن شوهردار و زنی که در عده دیگری است با حد زنا و نظایر آن باید جهل به موضوع و جهل به حکم هر دو را موجب برائت دانست.

با بررسی این دو نظر معلوم می‌شود که نظر اول با مواد قانون مجازات اسلامی و به آرای فقها نزدیک‌تر است و نظر دوم به قواعد حقوقی نزدیک است.



برخی این نوع مجازات مرد را در حدیث حمل بر تعزیر می‌نمایند. ازدواج زن در عده وفات و عده طلاق هر یک احکام خاص خود را دارد. طبق روایات، قبل ازدواج زن پس از فوت شوهر و در عده وفات یا ازدواج زن در عده طلاق غیررجعی مجازات رجم نداشته و فقط صد ضربه شلاق دارد. (فاضل هندی، ۱۴۲۲ق، ۸، ۷۳۲)

مجازات حد زنا بر زن و مرد عالم به حکم و موضوع جاری خواهد شد و داخل در ماده-۸۶۳ قانون مجازات اسلامی است و اگر شرایط احسان را داشته باشند زنا محصنه محسوب می‌شود و زنا با زن شوهردار نیز از موانع نکاح است. (محقق داماد، ۱۳۹۵:۱۳۶) موجب حرمت ابدی است. (تبریزی، ۱۴۲۶، ۳، ۱۶۱)

لذا در طلاق خلع که از اقسام طلاق بائن است. شخص مطلقه به طلاق بائن همسر مرد محسوب نمی‌شود و اگر رجوع از بذل نداشته باشد، غیرمحصن محسوب شده و رجم نمی‌شود. ولیکن زنی که در عده طلاق رجعی است محکوم به مجازات رجم می‌شود.

### ۶- جرم عدم ثبت نکاح

ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲، جرم عدم ثبت نکاح را با تغییراتی پیش‌بینی نمود، مطابق این ماده: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است؛ از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.» (مرادی، ۱۳۸۹، ۳۶)

از نظر شرعی برای ایجاد علقه ی زوجیت صرف انشای عقد کفایت می‌کند و نیازی به ثبت نیست. اما قانونگذار بنا به برخی مصالح که در این ماده به آن اشاره نشده ولی در ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات اسلامی بخش تعزیرات بدان اشاره کرده است، ثبت را الزامی می‌داند. می‌توان پذیرفت که ثبت نشدن واقعه ی ازدواج یا طلاق باعث ضرر به دیگران به خصوص زوجه و فرزندان است و نیز منافع اجتماعی ایجاد می‌کند که جلوی این ضرر گرفته (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹، ۱۵)

ضمانت اجرای چنین ازدواج یا طلاق مادام که به ثبت نرسیده است می‌تواند منشأ آثار حقوقی نباشد، یعنی نتوان بر اساس آن اقامه ی دعوی نفقه، تمکین، ارث و ... نمود مگر اینکه به ثبت برسد. البته برای اینکه حق زوجه در این میان از بین نرود. (امیدی، ۱۳۹۴، ۳۶)

نکته ی مثبت بارز این قانون آن است که علاوه بر مجازات مذکور، زوج ملزم به ثبت واقعه ی ازدواج، طلاق و رجوع است. این الزام به ثبت نیز در احقاق حقوق زنان بسیار موثر است، زیرا زنان بیش تر از مردان از عدم ثبت ازدواج، طلاق و رجوع متضرر می‌شوند و صرف مجازات بدون آن که زوج علاوه بر مجازات ملزم به ثبت وقایع مذکور شود ممکن است چندان بازدارندگی از آن جرم را نداشته باشد و یا به نفع زنان و فرزندان متولد از ازدواج موقت نباشد. (محسنی، ۱۳۹۴، ۱۲۵)

به نظر می‌رسد اگر قانونگذار ضمانت اجرای اموری تشریفاتی همچون ثبت واقعه ازدواج یا طلاق و ... را مترتب ندانستن آثار حقوقی و الزام به ثبت واقعه می‌دانست، بهتر از این بود که برای آن مجازاتی در نظر بگیرد.

### ۷- جرم ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی (ماده ی ۶۴۶ ق.ت.ا)

داشتن بلوغ اعم از بلوغ جسمی و روحی، شرط صحت ازدواج است و از منظر فقه و شرع، تنها در صورتی ازدواج قبل از بلوغ صحیح است که به اذن ولی باشد، لذا قانونگذار این ماده را در جهت حمایت کیفری از اطفال وضع کرده است و چنین مقرر می‌دارد که: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ی ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.» (م ۴۶۴ ق.ت.ا) نویسندگان قانون مدنی چون نمی‌خواستند از عقاید مشهور در فقه تجاوز کنند و درعین حال نیز مایل به پذیرفتن آن نبوده‌اند، سن بلوغ را زیر عنوان «قابلیت صحی برای ازدواج» بیان کرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۶۶)

ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالح اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.» (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰، ۱۹۱)

تبصره ی ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ی ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.»



## ۸- جرم زنا با محارم

زنا در دسته جرائمی قرار دارد که اسلام همواره در صدد کنترل و مهار آن بوده است. از یک سو، با ترویج ارزشهای مبتنی بر تقوا و خویشتنداری، اعمال و رفتارهای جنسی خارج از علقه زوجیت را به عنوان یک ضد ارزش معرفی کرده و از دیگر سو، با معرفی راههای درست ارضاء امیال جنسی یعنی ازدواج دائم و موقت، غریزه سرکش را هدایت کرده است. اما زنا را جرمی دقیقاً بر خلاف موازین و اصول عفت و پاکدامنی و ضربه به کیان خانوادگی قلمداد نموده و با آن برخورد شدید کرده به نحوی که آن را با مجازات «حد» که قابل اعراض و تغییر نیست مواجه ساخته است. (قاسم پور، ۱۳۹۱، ۳۷)

در هر صورت، به حکم اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، باید به نص قانون پایبند بود. ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد»

ملاحظه می گردد که مقنن، زنا را جرم انگاری کرده و بدینسان از طریق کیفرگذاری برای این جرم از کیان خانواده حمایت و صیانت کرده است. یکی از کیفرهای مقرر برای زنا، اعدام است که به حکم ماده ۲۲۴ قانون یاد شده، در چهار مورد اجرا می گردد:

الف - زنا با محارم نسبی، ب - زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است، پ - زنا مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است، ت - زنا با عفت یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

## ۹- جرم تدلیس در ازدواج (ماده ی ۶۴۷ ق.ت.ا)

ازدواج و تشکیل خانواده باید بر مبنای صداقت و راستگویی زوجین واقع شود تا باعث تحکیم علقه ی زوجیت بین آن ها شود، ولی اگر با وجود نهی آموزه های دینی از دروغ و فریبکاری هر یک از زوجین به خاطر تشریفات و یا سنت های نادرست و یا هر علت دیگری، برای رسیدن به اهداف خود به فریفتن یکدیگر و حيله ورزی روی آوردند باعث بی اعتمادی زوجین نسبت به یکدیگر شده و گاه تحمل این پنهان کاری و فریب در ازدواج برای یکی از زوجین یا هر دو ی آن ها به قدری سخت و غیر قابل بخشش می شود که راهی جز جدایی باقی نمی گذارد. (صفا، ۱۳۹۵، ۲۷)

دین مبین اسلام نیز با توجه به قداست و اهمیت بنیان خانواده در برابر تدلیس و فریبکاری زوجین ساکت نبوده و از منظر فقه حق فسخ نکاح را برای زوجین قرار داده است و از منظر قانون مجازات اسلامی نیز قانون گذار فریب و تدلیس در ازدواج را جرم دانسته و در ماده ی ۶۴۷ ق.ت.ا مقرر می دارد: «چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آن ها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد». (شرف الدین حسینی، ۱۳۹۳، ش ۲۵، ۲۷۶)

قانون گذار صرفاً به جنبه بازاریابی این جرم توجه کرده و برای مرتکبین آن مجازاتی را تعیین کرده است ولی تکلیف خسارت های مادی و معنوی ناشی از تدلیس نکاح در ماده (۸۷۳) ق.م.ا و قانون مدنی مشخص نشده است. (احمدیه و بداعی، ۱۳۹۲، ۱۰۸)

در حالی که طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی احتمال جبران خسارت مادی و معنوی وارده به فرد فریب خورده وجود دارد.

## ۱۰- نتیجه گیری

آن چه از تحلیل حقوقی ضمانت اجراهای، جرائم علیه خانواده حاصل شد این است که سیاست کیفری در هر جامعه نقش مهمی را در کاهش جرم و حرکت به سوی جامعه ای سالم و عادلانه بر عهده دارد. لیکن مجازات وضع شده برای جرائم علیه خانواده، در جهت حفظ کیان خانواده و عدم تزلزل و تضییع حقوق زوجین به نحو مطلوبی مقصود قانون گذار را تامین نمی کند، چرا که مداخله و ضمانت های اجرایی کیفری مانند حبس، محل استحکام خانواده است و باعث کم رنگ تر شدن عواطف و علاقه و محبت زوجین نسبت به یکدیگر می شود و زمینه برگشت زوجین را به ادامه زندگی مشترک ناهموارتر می کند.

به نظر می رسد اگر قانونگذار در مورد جرم عدم ثبت نکاح؛ ضمانت اجرای اموری تشریفاتی همچون ثبت واقعه ازدواج یا طلاق و ... را مترتب نداشتن آثار حقوقی و الزام به ثبت واقعه می دانست، بهتر از این بود که برای آن مجازاتی در نظر بگیرد. در مورد جرم ازدواج با دختر زیر سن نکاح؛ صرف انشای عقد ازدواج با صغیره بدون اذن ولی یا با اذن ولی اما بدون تشخیص مصلحت مورد ادعای ولی توسط دادگاه، از نظر شرعی عمل حرام محسوب نمی شود که بتواند توجیه گر مجازات باشد. در نهایت مانند عقد فضولی است که از نظر حکم تکلیفی متصف به حرمت نیست و از حیث حکم وضعی به شرط اجازه ی اصیل صحیح و نافذ و در صورت رد وی باطل است.

در مورد جرم ترک انفاق به زوجه دربارهی مردی که نفقه ی همسرش را و به طور کلی نفقه نمی دهد، روایاتی است که بر حبس مرد تا اداء نفقه دلالت می کند. و برخی فقها همچون شیخ طوسی به مضمون این روایات فتوا داده اند. قانونگذار می تواند حبس مردی را که نفقه ی زوجه یا اشخاص واجب النفقه را نداده است تا زمان ادای آن مقرر کند نه اینکه حبس را به عنوان کیفر چنین مردی پیش بینی کند.

## ۱۱-پیشنهادهات

با توجه به مسائل ذکر شده و در این راستا،

- قانون گذار بهتر است برای جرائمی که در درون خانواده رخ می دهد بر خلاف سایر جرائمی که بیرون از خانواده رخ می دهد سیاست کیفری حبس زدایی را دنبال کند تا با حبس زوج، زمینه خشم و انتقام و کینه باعث از بین رفتن علاقه و عواطف زوجین نشود که تبعاً این مساله برای فرزندان آن ها نیز لطمه های جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت
- همچنین بهتر است علاوه بر جرائمی که در فصل نوزدهم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی احصاء و معین شده است، سایر جرائم دیگری که مربوط به حوزه خانواده است مانند کودک آزاری، سقط جنین، جرائم مرتبط با حضانت و ملاقات اطفال، نشوز زوج، انکار زوجیت فروش فرزند و ... را نیز شامل شود و پراکندگی که در قوانین مختلف دیده می شود اعم از قانون حمایت از خانواده، قانون مدنی و یا سایر فصول قانون مجازات اسلامی رفع شود تا قوانین مربوط به خانواده از انسجام بهتری برخوردار گردد.
- تکمیل ضمانت اجرای عدم ثبت ازدواج توسط آئین نامه های اجرایی
- قانونگذار برای زوجه این حق را پیش بینی نماید که بتواند دادخواست الزام زوج به ثبت واقعه ای ازدواج یا طلاق به دادگاه بدهد و در نهایت در صورت استتکاف زوج، ترتیبی را پیش بینی کند که ازدواج یا طلاق به ثبت برسد.

## منابع و مراجع

- [۱] احمدیه، مریم، بداغی، فاطمه، ۱۳۹۲، ( جرایم علیه خانواده در پژوهش میدانی) مجله جامعه شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان کتاب زنان سابق، فصلنامه، شماره ۲۱، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۲] اسدی، لیلاسادات، ۱۳۹۲، ( نقد و بررسی قوانین ثبت ازدواج ، مطالعات راهبردی زنان) (کتاب زنان سابق) فصلنامه، شماره ۴۰، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۳] اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۰، (حقوق جزای عمومی)، نشر میزان، چاپ ششم
- [۴] امیدی، جلیل، ۱۳۹۴، (مقالات و بررسیها تجویز تزویج صغار)، نشریه علوم انسانی فصلنامه، شماره ۶۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۵] بیاتی، سعید، ۱۳۹۶، (بحثی پیرامون ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی)، ماهنامه سال چهل و یکم دوره دوم، شماره ۱، تهران، چاپ و انتشارات دانشگاه « کانون حقوق » تهران.
- [۶] تدبیری، بهزاد، ۱۳۹۲، ( بررسی حقوقی ابداعات قانون حمایت خانواده ۹۱ و آثار آن )، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- [۷] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، (مبسوط در ترمینولوژی حقوق)، ج ۱ و ۵، تهران، کتابخانه گنج دانش
- [۸] جهانی، فرخ زاد، ۱۳۹۱، (رژیم حقوقی اشتراک اموال زوجین در حقوق مالی و اقتصادی خانواده )، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- [۹] حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۹، (مقررات کیفری لایحه حمایت از خانواده در بوته نقد)، مطالعات راهبردی زنان «کتاب زنان سابق» نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، فصلنامه، شماره ۴۸، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۱۰] خلیلی، عذرا، ۱۳۹۵، (نفقه والدین در فقه امامیه و قوانین موضوعه)، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق)، ماهنامه ، شماره ۴۹، تهران،
- [۱۱] دیانی، عبد الرسول، ۱۳۹۴، (حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن)، تهران :امیر دانش
- [۱۲] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، (لغتنامه)، جلد نخست، تهران :انتشارات امیرکبیر، چاپ نخست،
- [۱۳] رهامی، محسن، ۱۳۹۳، (زمینه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران )، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴
- [۱۴] رهبر، مهدی، ۱۳۸۸، ( ممنوعیت ازدواج با زن شوهدار) ، نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، فصلنامه، شماره ۴۵، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۱۵] زراعت، عباس، ۱۳۸۷، (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی)، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس ،
- [۱۶] زراعت، عباس، ۱۳۹۴، (شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات )، تهران، انتشارات ققنوس،
- [۱۷] روح الامینی، محمود، ۱۳۹۳، (حمایت کیفری از خانواده)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،
- [۱۸] سلمان پور، عباس، ۱۳۹۳، (گونه شناسی جرایم علیه خانواده) پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱
- [۱۹] شکری، رضا، ۱۳۹۱، (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی)، تهران، مهاجر
- [۲۰] صفار، محمد جواد، ۱۳۹۵، (حقوق مدنی(۵) حقوق خانواده جزوه درسی، دوره کارشناسی)، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی
- [۲۱] قاسم پور، مرضیه، ۱۳۹۱، (حمایت کیفری از زنان در حقوق ایران و اسناد سازمان ملل متحد)، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۳،
- [۲۲] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۳، (دوره مقدماتی حقوق خانواده، چاپ اول)، تهران، نشریلدا.
- [۲۳] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۳، (حقوق مدنی نکاح و طلاق روابط زن وشوهر )جلد اول، چاپ چهاردهم ،تهران، انتشارات مدرس.

- [۲۴] کرامتی معز، هادی، ۱۳۹۴. (مبانی و کارکردهای درجه بندی مجازاتهای تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران، استاد راهنما دکتر احمد حاجی ده آبادی
- [۲۵] محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، سید محمدمهدی، ۱۳۹۴. (نوآوری های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی)، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴
- [۲۶] محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۵. (بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن)، جلد اول چاپ هشتم، تهران انتشارات علوم اسلامی
- [۲۷] محمدی، مرتضی، ۱۳۹۳. (مطالعات نفقه ازدواج و تمکین)، نشریه علوم اجتماعی راهبردی زنان «کتاب زنان سابق»، فصلنامه، شماره ۲۵، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۲۸] مدنی قهفرخی، سعید و زینالی، امیر حمزه، ۱۳۹۰. (آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران)، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- [۲۹] مرادی فر، بهمن، ۱۳۸۹. (تحولات حقوق خانواده بعد از انقلاب اسلامی)، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی
- [۳۰] قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳
- [۳۱] قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
- [۳۲] قانون مجازات اسلامی
- [۳۳] قانون مدنی
- [۳۴] قران کریم
- [۳۵] ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، ۱۴۰۶. (المهذب)، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۶] اصفهانی، سید ابوالحسن، ۱۴۲۲ ق، (وسيله النجاه مع حواشی الامام الخمينی)، یک جلد، چاپ اول، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- [۳۷] انصاری، مرتضی، ۱۳۶۷ ش، (المکاسب) قم: انتشارات علامه.
- [۳۸] انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵ ق، (کتاب المکاسب)، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۳۹] بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، (الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۰] تبریزی، جواد بن علی، ۱۴۲۶ ق، (منهاج الصالحین)، چاپ اول، قم: مجمع الأمام المهدی.
- [۴۱] حکیم، سید محسن طباطبایی، ۱۴۱۰ ق، (منهاج الصالحین: المحشی للحکیم) چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- [۴۲] سبزواری، محمدباقر، ۱۴۲۳ ق، (کفایه الاحکام)، ج ۳، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- [۴۳] طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۹ ق، (العروة الوثقی)، المحشای، جلد پنجم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۴] طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷۴ ق، (الخلاف)، جلد چهارم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
- [۴۵] طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۴۸۶ ق، (المبسوط فی فقه الإمامیه)، جلد ششم، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية،
- [۴۶] عاملی، شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳ ق، (مسالك الأفهام إلى تنقيح شرايع الإسلام)، جلد هفتم، چاپ اول، قم، مؤسس المعارف الإسلامیه،
- [۴۷] فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲ ق، (کشف اللثام) ج ۸، مؤسسۀ نشر اسلامی.
- [۴۸] مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، ۱۴۱۷ ق (العناوين الفقهيه، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۹] منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹ ق، (دراساه فی ولايه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه)، چاپ دوم، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلاميه

[۵۰] موسوی سبزواری، عبدالعلی، ۱۴۱۳ ق، (مذهب الأحكام للسبزواری)، چاپ چهارم، قم: موسسه المنار.

[۵۱] مومن سبزواری، محمدباقر بن محمد، ۱۴۲۳ ق، (کفایه الاحکام)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی

[52] Bailey, Martha, 2007, (Dossier: Should Polygamy be Recognized in canada Ethical and legal considerations), Les Ateliers De L,ethique, vol 2 , N.1, Printemps, spring